

کتاب دانیال — شماره هشتاد و هفت

افشای مَثَل ده باکره: سفری ژرف در تاریخ ادونتیست‌ها

Jeff Pippenger

2024-02-20

مَثَلُ العذارى العشر يُصَوِّرُ اختِبارَ شعبِ الأدفنتست.

«مَثَل ده باکره در متی ۲۵ نیز تجربه قوم ادونتیست را به تصویر می‌کشد.» جدال عظیم، ۳۹۳.

ادونتیست‌های میلری این مَثَل را به‌تمامی و به‌معنای دقیق کلمه تحقق بخشیدند.

«غالباً مرا به مَثَل ده باکره ارجاع می‌دهند، که پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن نادان. این مَثَل تا کوچک‌ترین جزء آن به انجام رسیده و خواهد رسید، زیرا کاربردی ویژه برای این زمان دارد، و همچون پیام فرشته سوم، به انجام رسیده است و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود.» 19 Review and Herald، اوت 1890.

تاریخ حرکت فرشته اول، نمایانگر حرکت فرشته سوم است، و تمرکز نهایی این مَثَل بر این است که آیا باکره‌ها روغن را در اختیار دارند یا نه؛ همان روغنی که پیام باران آخر است.

«جهانی وجود دارد که در شرارت، در فریب و گمراهی، و در سایه مرگ آرمیده است—خفته، خفته. چه کسانی درد جان احساس می‌کنند تا آنان را بیدار سازند؟ چه آوازی می‌تواند به ایشان برسد؟ ذهن من به آینده برده می‌شود، هنگامی که آن ندا داده خواهد شد: "اینک داماد می‌آید؛ به استقبال او بیرون آیید." اما برخی در به‌دست آوردن روغن برای پر نگاه داشتن چراغ‌های خود تأخیر خواهند کرد، و آنگاه بسیار دیر درمی‌یابند که آن منش، که به‌وسیله روغن نمادپردازی شده است، قابل انتقال نیست. آن روغن، عدالت مسیح است. آن نمایانگر منش است، و منش قابل انتقال نیست. هیچ‌کس نمی‌تواند آن را برای دیگری فراهم سازد. هر کس باید برای خود، منش و سیرتی به‌دست آورد که از هر لکه گناه پاک شده باشد.» Bible Echo, May 4, 1896.

«روغن» در این مَثَل نمایانگر «شخصیت» است و نیز «پارسایی مسیح». شخصیت تقدیس‌شده تنها در کسانی پدید می‌آید که کلام خدا را می‌خورند.

انهیں اپنے سچ کے وسیلہ سے مقدس کر؛ تیرا کلام سچ ہے۔ یوحنا 17:17.

«روغن» همچنین پیام‌های روح خداست.

«خدا آنگاه مورد بی‌حرمتی قرار می‌گیرد که پیام‌هایی را که برای ما می‌فرستد دریافت نکنیم. بدین‌سان، روغن طلایی را که او می‌خواهد در جان‌های ما بریزد تا به کسانی که در تاریکی‌اند رسانیده شود، رد می‌کنیم.» ریویو اند هراللد، ۲۰ ژوئیه ۱۸۹۷.

«روغن» پیام‌های کلام خداست که حضور تقدیس‌کننده عدالت مسیح را منتقل می‌کند. در مَثَل ده باکره، که همچنین نبوت باب دوم حقوق است، پیام فریاد نیمه‌شب، که همان پیام عدالت مسیح است، چنان‌که به‌وسیله پیام جونز و واگنر در شورش ۱۸۸۸ نمایان شد.

«خداوند در رحمت عظیم خویش، از طریق مشایخ واگنر و جونز، پیامی بس گران‌بها به قوم خود فرستاد. این پیام برای آن بود که نجات‌دهنده برافراشته را، یعنی قربانی گناهان تمامی جهان را، به‌گونه‌ای برجسته‌تر در برابر جهان قرار دهد. این پیام، عادل‌شمردگی از راه ایمان به ضامن را

عرضه می‌کرد؛ مردم را دعوت می‌نمود تا پارسایی مسیح را بپذیرند، همان پارسایی‌ای که در اطاعت از همه احکام خدا آشکار می‌گردد. بسیاری عیسی را از نظر دور داشته بودند. آنان نیاز داشتند که چشمانشان به سوی شخص الهی او، شایستگی‌های او، و محبت تغییرناپذیر او نسبت به خاندان بشری هدایت شود. تمامی قدرت به دستان او سپرده شده است تا عطایای غنی را به انسان‌ها ببخشد، و عطیه بی‌قیمت پارسایی خود را به عامل انسانی در مانده اعطا نماید. این همان پیامی است که خدا فرمان داد به جهان داده شود. این، پیام فرشته سوم است، پیامی که باید با آوازی بلند اعلام گردد و با ریزش روح او به اندازه‌ای عظیم همراه باشد. Testimonies to Ministers, 91

پیام، پیام باران آخر است.

«باران آخر بر قوم خدا خواهد بارید. فرشته‌ای نیرومند از آسمان فرود خواهد آمد، و تمامی زمین از جلال او منور خواهد شد.» ریویو اند هرالد، ۲۱ آوریل ۱۸۹۱.

هنگامی که آن فرشته نیرومند در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ فرود آمد، باران آخرین آغاز به باریدن اندک کرد و تاریخ میلری‌ها، آن‌گونه که در مثل ده باکره و باب دوم حقوق نمایان شده است، آغاز به تکرار نمود. در آن هنگام بود که قوم ایام آخر خدا کتابی را که در دست فرشته بود خوردند، و بدین‌سان به راه‌های کهن ارمیا بازگردانیده شدند، و از این‌رو دیده‌بانانی گشتند که می‌بایست شیپور هشدار را به صدا درآورند. هشدار شیپور همان پیام لائودیکه بود که اشعیا آن را به صورت فریادی بلند به تصویر می‌کشد.

با آواز بلند ندا کن، دریغ مدار، آواز خویش را چون کرنا برافراز، و قوم مرا از عصیان ایشان، و خاندان یعقوب را از گناهانشان آگاه ساز. اشعیا ۵۸:۱

جنبش اصلاحی فرشته اول و سوم در «زمان آخر» آغاز می‌شود. در آن هنگام «افزایش معرفت» پدید می‌آید که نسل زنده در آن زمان را خواهد آزمود، اما تنها پس از آن که آن معرفت به صورت پیامی مدون و رسمی منتشر شود. پس از آن، آن پیام مدون «قدرت می‌یابد»، و این قدرت یافتن با نزول یک فرشته مشخص می‌شود. نزول آن فرشته، مجادله حقوق را معین می‌سازد و دو طبقه شروع به شناسایی پیامی می‌کنند که یا پیام حقیقی باران آخر است یا پیام جعلی آن. سپس امینان دیده‌بانان خدا می‌گردند و آغاز به دمیدن پیام شیپور هشدار می‌کنند.

پیام حقیقی شیپور بر نوری استوار است که بر دو لوح حقوق به تصویر کشیده شده است. این همان هشدار به لائودیکه، و نیز هشدار است که گناهان قوم خدا را مشخص می‌سازد. جدال شدت می‌گیرد تا به نخستین نومیدی می‌رسد، آنگاه که یک دسته به «مجمع ریشخندکنندگان» بدل می‌شود، و به دیده‌بانان حقیقی فراخوان داده می‌شود که به غیرتی برای پیام بازگردند که پیش از نومیدی از خود ظاهر ساخته بودند. چون دیده‌بانان بازگشتند، دریافتند که در «زمان تأخیر» به سر می‌برند، و اینکه آن پیامی که ظاهراً ناکام مانده بود، در واقع قرار بود تحقق یابد، اما مطابق نظم خدا. آن پیام در طی دوره‌ای کوتاه پرورده شد (اما با این همه، دوره‌ای زمانی بود)، و هنگامی که پیام فرا می‌رسد، به عنوان پیام «فریاد نیمه‌شب» به تصویر کشیده می‌شود، که صرفاً افزایشی از همان پیامی است که از زمانی که آن فرشته نازل شد، آغاز به قدرت یافتن کرد.

با رسیدن پیام، جدایی میان کسانی که هنگام نزول فرشته، مقام دیدبانی را پذیرفته بودند و کسانی که از پذیرش آن سر باز زدند، به طور کامل تحقق یافت. این جدایی، همان نقطه‌ای را مشخص می‌سازد که در آن مهر بر یکصد و چهل و چهار هزار نفر نهاده می‌شود، پیش از افاضه باران آخر، بی‌آنکه «اندازه‌گیری‌ای» که بر باران آخر آغاز شده با نزول فرشته قرار داده شده بود، بر آن نهاده شود.

تاریخ میلریتی‌ها نمونه‌ای از باران آخر در هنگام مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار نفر است. در آن تاریخ، مباحثه حقوق بر پایه یک پیام حقیقی باران آخر و یک پیام کاذب باران آخر قرار داشت. پولس یک گروه را کسانی معرفی می‌کند که محبت حقیقت را دارند، و گروه دیگر را کسانی که دچار گمراهی شدید می‌شوند، زیرا محبت حقیقت را ندارند، و از آن‌رو که «دروغ» را باور کرده‌اند.

جنبش میلریتی نمایانگر تکامل حقیقتی است که از «زمان آخر» آغاز می‌شود و در معرفت و قدرت فزونی می‌یابد، و این روند تا زمان افاضه روح‌القدس در فریاد نیمه‌شب ادامه می‌یابد. جنبش میلریتی برخی نشانه‌های راه مشخص را شناسایی کرد که دارای موازات هستند؛ از جمله «زمان آخر»، «صورت‌بندی رسمی» پیام که با «افزایش معرفت» بازنمایی می‌شود، «توانمندسازی» پیام که با فرود آمدن یک فرشته مشخص می‌گردد، «نامیدی نخستین» که مثل ده باکره را معرفی می‌کند، افاضه روح‌القدس که به صورت «فریاد نیمه‌شب» بازنموده شده است، و سپس «نامیدی دوم» نهایی که در آن یک در تدبیری «بسته» می‌شود و در تدبیری دیگری «گشوده» می‌گردد.

«خدا پیام‌های مکاشفه ۱۴ را جایگاهشان را در خط نبوت عطا کرده است، و کار آن‌ها تا پایان تاریخ این زمین نباید متوقف شود. پیام‌های فرشته اول و دوم هنوز برای این زمان حقیقت‌اند، و باید به موازات این پیامی که در پی می‌آید، پیش روند. فرشته سوم هشدار خود را با آواز بلند اعلام می‌کند. یوحنا گفت: «بعد از این امور، فرشته‌ای دیگر را دیدم که از آسمان نازل می‌شد و قدرتی عظیم داشت، و زمین از جلال او منور گردید.» در این تابش نور، روشنایی هر سه پیام با یکدیگر متحد است.» The 1888 Materials, 804

تحریک میلری، که ممثل حرکات یک‌صد و چهل و چهار هزار نفر است، با نبوت‌های دو هزار و سیصد سال و دو هزار و پانصد و بیست سال مذکور در دانیال باب هشتم، آیات سیزده و چهارده، پیوندی ناگسستنی داشت. «زمان آخر» در پایان «هفت زمان» غضب خدا بر ضد پادشاهی شمالی اسرائیل فرا رسید. صورت‌بندی رسمی پیام میلر در سال ۱۸۳۱، دویست و بیست سال پس از انتشار کتاب مقدس نسخه کینگ جیمز تحقق یافت.

«آقای میلر، همچون کسانی که در کشورهای دیگر به وسیله این پیام برانگیخته شدند، در آغاز گمان می‌برد که مأموریت خود را با نوشتن و انتشار در روزنامه‌های عمومی و رساله‌ها به انجام رساند. او نخست دیدگاه‌های خود را در Vermont Telegraph، یک نشریه باپتیستی که در Brandon, Vt. چاپ می‌شد، منتشر کرد. این در سال ۱۸۳۱ بود.» John Loughborough, The Great Second Advent Movement, 120

تحریک «وقت آخر» فرشته سوم ۱۹۸۹ میل آن پهنچی، جو ۱۸۶۳ کی بغاوت سے ایک سو چھبیس برس کی تکمیل پر واقع ہوئی۔ «ایک سو چھبیس» «سات وقتوں» کی ایک علامت ہے۔ دونوں تحریکوں کا آغاز «سات وقتوں» کی ایک تکمیل سے ہوا۔

پیام جنبش فرشته سوم در سال ۱۹۹۶، با تهیه مجموعه‌ای از مقالات با عنوان «زمان پایان» که در مجله‌ای به نام Our Firm Foundation منتشر شده بود، صورت‌بندی شد. آن مقالات دویست و بیست سال پس از اعلامیه استقلال در ۱۷۷۶ منتشر شدند. پیام هر دو جنبش، دویست و بیست سال پس از تاریخی که به طور مستقیم با پیامی که در پایان آن دویست و بیست سال فرا رسید، پیوند داشت، صورت‌بندی شد.

عَدَد «دویست و بیست» نمایانگر پیوندی است میان «هفت زمان» غضب خداوند بر پادشاهی جنوبی یهودا که در سال ۶۷۷ ق.م آغاز شد، و آغاز دوهزار و سه صد سال مذکور در دانیال باب هشت، آیه چهارده، در سال ۴۵۷ ق.م. عدد دویست و بیست این دو نبوت را به یکدیگر مرتبط می‌سازد، و این دو نبوت در آیات بنیادین ادونتیسیم، یعنی دانیال باب هشت، آیات سیزده و چهارده، در کنار هم ارائه

شده اند۔ در آن آیات، مسیح خود را به گونه ای نبوی به عنوان «آن قدوس معین» معرفی کرد، که ترجمه ای از واژه عبری «Palmoni» است، واژه ای که به معنای «شگفت انگیز شمارنده» می باشد۔

شمارنده شگفت انگیز، دو رؤیایی را که نمایانگر دو خط نبوت اند، درست در همان دو آیه ای معرفی می کند که خواهر وایت آن ها را ستون مرکزی ادونتیسزم معرفی می نماید۔ نقطه آغاز، به واسطه پیوند نمادین دویست و بیست سال، به زمانی متصل می شود که آن ها در سال ۱۸۴۴ به انجام می رسند۔ باب دوم حقوق با آیه بیستم پایان می یابد؛ و بدین سان، شمار «دویست و بیست» به وسیله شمارنده شگفت انگیز با بیانی دیگر مشخص می گردد، زیرا آن آیه یکی از ویژگی های اساسی روز کفاره پادنمونی را که در آن تاریخ آغاز شد، معرفی می کند۔

اما خداوند در هیکل مقدس خویش است؛ تمامی زمین به حضور او خاموش بماند۔ حقوق ۲:۲۰۔

آن دو دوره نبوی که ستون مرکزی ادونتیسزم را تشکیل می دهند و مستقیماً به وسیله «شمارشگر شگفت انگیز» معرفی شدند، به وسیله دویست و بیست سال به یکدیگر پیوند خورده اند؛ و عیسی («شمارشگر شگفت انگیز»)، که همواره پایان یک چیز را با آغاز یک چیز یکی می شمارد، پایان آنها را در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ با عدد دویست و بیست مشخص ساخت۔

حرکت فرشته اول، همچون حرکت فرشته سوم، در «زمان آخر» آغاز شد (به ترتیب 1798 و 1989)، جایی که «هفت زمان» لاویان بیست و شش شناخته می شود۔ نشانه راه بعدی در هر دو تاریخ با پایان دویست و بیست سال مشخص می گردد، که آن نیز ویژگی ای نبوی از «هفت زمان» است؛ زیرا نقاط آغازین دو رؤیا (chazon و mareh) نمایانگر دوره ای دویست و بیست ساله اند که آن ها را به یکدیگر پیوند می دهد۔

۱۶۱۱ میں کنگ جیمز بائبل کی اشاعت، ورمونٹ ٹیلیگراف اخبار میں شائع شدہ ملر کے پیغام کی باضابطہ تدوین، اعلان آزادی کی تیاری، اور اوور فرم فاؤنڈیشن رسالہ میں The Time of the End کی اشاعت—یہ سب اشاعتیں تھیں۔ دو سو بیس سالہ دونوں ادوار کے آغاز اور اختتام، دونوں ہی، تاریخی سنگ میل کے طور پر ایک اشاعت کی نمائندگی کرتے ہیں۔ عدد "دو سو بیس" ایک نبوی ربط کی علامت ہے، اور یہ چاروں اشاعتیں، اشاعت ہونے کے اعتبار سے بھی ایک دوسرے سے مربوط ہیں، اور نیز اس پیغام کے سبب بھی جو اپنی اپنی تاریخوں میں "علم میں اضافہ" کے طور پر ممتل ہے۔

کتاب مقدس در سال 1611، نمایانگر ابلاغ انجیل از دربارهای آسمانی به نوع بشر است۔ پیام میلر در چارچوب نبوت های زمانی قرار داده شده بود، و دو لوح مقدس حقوق به روشنی قابل تشخیص می سازند که پیام میلر به صورت نموداری به وسیله خطوط تاریخ ترسیم شده بود۔ «ورمانت» به معنای «کوهی سبز» است، و بنا بر الهام، «سبز» نماد ایمان است۔

«این خواب به من امید بخشید۔ ریسمان سبز، در ذهن من، نمایانگر ایمان بود، و زیبایی و سادگی توکل به خداوند، کم کم بر جانم آشکار شدن گرفت۔» Christian Experience and Teachings, 28.

پیام میلر به صورت رسمی تنظیم شد و از سوی کلیسای امین ابلاغ گردید، زیرا «کوه» در ایام آخر «کلیسا» است۔

اور واقع ہو گا کہ اخیر ایام میں خداوند کے گھر کا پہاڑ پہاڑوں کی چوٹی پر قائم کیا جائے گا اور ٹیلوں سے بلند کیا جائے گا؛ اور سب قومیں اُس کی طرف رواں ہوں گی۔ اور بہت سی امتیں جائیں گی اور کہیں گی، اُو، ہم خداوند کے پہاڑ پر، یعقوب کے خدا کے گھر کو چڑھ جائیں؛ اور وہ ہمیں اپنی راہیں سکھائے گا، اور ہم اُس کے راستوں پر چلیں گے؛ کیونکہ شریعت صیون سے صادر ہو گی، اور خداوند کا کلام یروشلم سے۔ یسعیاہ 2:3، 3۔

پیام رسمی شده آزمون‌کننده میلر از کلیسای امین برخاست، و نشریه‌ای به نام The Telegraph نماینده پیامی از آسمان است، همان‌گونه که ترجمه King James Bible چنین بود؛ زیرا واژه «telegraph» که از دو واژه یونانی ساخته شده است، به معنای پیامی از دوردست است. واژه نخست (tele) به معنای «دور یا دوردست» است، و واژه دوم (grapho) به معنای «نوشتن یا ثبت کردن». این دو با هم به معنای «نوشتن یا انتقال دادن از فاصله‌ای دور» هستند. در سال 1611، خدا از طریق انتشار King James Bible پیام خود را از آسمان منتقل کرد، و در پایان دویست و بیست سال، پیام میلر که نخستین بار در سال 1831 در Vermont Telegraph به صورت رسمی تنظیم شد، آن نیز پیام خدا را از آسمان منتقل نمود. آن پیام همان «افزایش معرفت» بود که در «زمان آخر» در سال 1798 گشوده شد، و سپس برای آن نسل یک فرایند آزمون سه مرحله‌ای پدید آورد. آن تاریخ، نمونه تاریخ Future for America بود.

اعلامیه استقلال در سال ۱۷۷۶، نشان‌دهنده آغاز حیوان زمین در مکاشفه سیزدهم است. این امر نمایانگر آغاز ایالات متحده آمریکا است، و بدین وسیله محدود شدن استقلال را در پایان ایالات متحده مشخص می‌سازد. پیام Future for America (چنان‌که از نام آن برمی‌آید)، پایانی را شناسایی می‌کند که در آغاز، با انتشار اعلامیه استقلال، به گونه‌ای نمادین پیش‌نمون شده است. دویست و بیست سال بعد، در سال ۱۹۹۶، خدمتی که مجله The Time of the End را تولید کرده بود، شخصیت حقوقی‌ای را دریافت کرد که پیش‌تر Future for America نامیده شده بود. در آن سال، مجله The Time of the End که از مقالاتی تشکیل شده بود که در نشریه‌ای به نام Our Firm Foundation منتشر شده بودند، منتشر گردید.

نام خدمتی «America» for America به تاریخ «اعلامیه استقلال» اشاره دارد، زیرا آن نشریه آغاز ایالات متحده آمریکا را رقم زد، و عیسی همواره پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد. عنوان آن نشریه، یعنی «End» Time of the End هم به «زمان آخر» در سال ۱۹۸۹ اشاره دارد، و هم به پایان زمان مهلت آزمایشی هنگامی که میکائیل برمی‌خیزد. پیام صورت‌بندی شده موجود در آن نشریه (دانیال باب یازده، آیات چهار تا چهار و پنج)، با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ («زمان آخر») مهرگشایی شد، و آیاتی که مهرگشایی شدند، توالی‌ای از تاریخ را ارائه می‌کنند که از سال ۱۹۸۹ به پیش می‌رود تا آن‌که آیه یک از باب دوازدهم، برخاستن میکائیل و بسته شدن مهلت آزمایشی بشر را مشخص می‌سازد.

از زمان انتشار «اعلامیه استقلال» در سال 1776 تا انتشار مجله «End» Time of the End دویست و بیست سال است، و آغاز و انجام، هر دو، به همان موضوعات نبوی می‌پردازند. انتشار «Time of the End» از فصل‌هایی گردآوری شد که نخست به صورت مقالاتی در نشریه «Firm Foundation» Foundation منتشر شده بودند، و این حقیقت نبوی را نمایندگی می‌کند که بدون پایبندی به حقایق بنیادی جنبش میلریتی (که «foundation» firm foundation است)، فهم «افزایش معرفت» در «زمان آخر» در سال 1989 ناممکن است.

نشانه‌ای که به عنوان «زمان آخر» بازنمایی شده است، و نشانه‌ای که در تاریخ‌های موازی جنبش‌های فرشته اول و سوم نمایانگر «صورت‌بندی رسمی» پیام است، هر دو عناصر نبوی «هفت زمان» در لاویان بیست و شش را در بر دارند. نشانه بعدی در تاریخ‌های موازی، اقتداربخشی به پیام است؛ چنان‌که با فرود آمدن یا فرشته مکاشفه ده، در ۱۱ اوت ۱۸۴۰، یا فرشته مکاشفه هجده، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، مشخص شده است. تحقق وای دوم مکاشفه فصل نه، فرشته مکاشفه ده را به پایین آورد، و تحقق وای سوم مکاشفه فصل ده، فرشته مکاشفه فصل هجده را به پایین آورد.

در تاریخ‌های موازی، باران آخر از همان نقطه‌ای آغاز می‌شود که فرشته فرود می‌آید و «قطره‌قطره» می‌بارد. در آن نقطه، پیام به‌واسطه تأییدِ رویدادِ پیشگویی‌شده «با قدرت همراه» می‌شود. برای میلی‌ها، این امر همان توقفِ برتری عثمانی بود، در تحققِ نبوتِ زمانی اسلام از وای دوم در مکاشفه فصل نهم، آیه پانزدهم. برای جنبشِ یکصد و چهل و چهار هزار، این امر همان «به خشم آمدن امت‌ها» بود، نبوتی درباره اسلام از وای سوم که در زمان شیپور هفتم در مکاشفه ده، آیه هفتم قرار دارد، و هنگامی تحقق یافت که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فرو ریخته شدند.

هر یک از نشانه‌های اصلی تاریخ‌های موازی، پیوندهای مستقیمی با کار «شمارنده شگفت‌انگیز» دارند؛ او که امضای خویش را بر رابطه میان آن دو رؤیایی می‌نهد که نمایانگر دو هزار و سیصد سال و دو هزار و پانصد و بیست سال‌اند. دیده‌بانانِ نبوی که هم‌زمان با فرود آمدن فرشته برانگیخته می‌شوند، شیپور هشدار را می‌نوازند؛ هشدار که پیام لاودکیه را نیز در بر می‌گیرد، پیامی که در سال 1856 مستقیماً با گشوده شدن مهر نور اعظم «هفت زمان» پیوند داشت. نشانه راهِ دو لوحِ حقیق، که در قالب نقشه‌های پیشگامان 1843 و 1850 نمایان شده است و هر دو به‌صورت تصویری «هفت زمان» را بازنمایی می‌کنند، در هر یک از این دو تاریخ موازی، میان فرود آمدن فرشته و نخستین نومیدیِ پدیدار شد.

نشانه راه «زمان تأخیر» به‌طور مستقیم با پیشگوییِ ناکام ۱۸۴۳ مرتبط است؛ پیشگویی‌ای که تحقق هم دو هزار و سیصد سال، و نیز دو هزار و پانصد و بیست سال را اعلام می‌کرد. پیام فریادِ نیمه‌شب، شناساییِ تحققِ قریب‌الوقوع آن دو دوره زمانِ نبوی بود. «در» بسته‌تدبیری در آخرین نشانه راه، تحقق آن دو دوره نبوی را مشخص می‌سازد و نشان می‌دهد که در کجا شیپور هفتم، یا شیپور یوبیل، آغاز به نواخته شدن می‌کند. هر نشانه راه در هر تاریخ، به‌طور مستقیم با «هفت زمان» مرتبط است، و «هفت زمان» رشته پیوندی را نمایندگی می‌کند که هر دو تاریخ را به هم متصل می‌سازد، و هر دو تاریخ نمایانگر پیام باران آخر هستند.

ما این بررسی را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«برای آنان که به کلام لغزش می‌خورند، چون نافرمان‌اند،» مسیح صخره لغزش است. اما «سنگی که معماران رد کردند، همان سر گوشه شده است.» همانند آن سنگِ مردود، مسیح نیز در رسالت زمینی خویش بی‌اعتنایی و آزار را متحمل شد. او «خوار و از مردمان مردود بود؛ صاحب غم‌ها و آشنا به اندوه: ... او خوار شمرده شد و ما او را به حساب نیاوردیم.» اشعیا 53:3. اما زمان نزدیک بود که او جلال یابد. به‌واسطه قیام از مردگان، او «پسر خدا با قدرت» اعلام می‌شد. رومیان 1:4. در آمدن دوم خود، او به‌عنوان خداوند آسمان و زمین مکتشف می‌گردید. آنان که اکنون در شرف مصلوب ساختن او بودند، عظمت او را خواهند شناخت. در برابر سراسر کائنات، آن سنگِ مردود سر گوشه خواهد شد.

वे, था कयिा असवीकार को मसीह ने लोगो जनि» डालेगा। कर चूर-चूर उसे, गरिगा यह पर किसी जसि और «के वायु और जाएगी टूट महमिा उनकी थे। देखनेवाले होते नष्ट को जात अपनी और नगर अपने ही शीघर वही? कयिा नाश का यहूदियों जसिने थी वस्तु सी-कौन वह और जाएगी। हो बतिर-ततिर समान के धूल सामने परमेश्वर गई जानी तुच्छ वह होती। सुरक्षा उनकी वह तो, होता कयिा नरिमाण उन्होंने यदपिर जसि, चट्टान के परमेश्वर को आप अपने ने मनुष्यों दया। गई की उपेक्षति और, धार्मकिता गई ठुकराई, थी भलाई की गया। बन कारण का वनिाश उनके वही, होता साधन का उद्धार उनके कुछ जो और, लिया कर खड़ा में वरिध को मसीह द्वारा यहूदियों पाया। लिए के मृत्यु उन्होंने वही, था कयिा नयिक्त लिए के जीवन ने परमेश्वर जसि इस उन्हें जसिने था बोझ वही लहू गया बहाया पर कलवरी था। नहिाति वनिाश का यरूशलेम में चढ़ाने पर क्रूस जब, होगा ही ऐसा भी में दनि अंतमि महान दयिा। डुबो में वनिाश लिए के दोनों, संसार आनेवाले और संसार है चट्टान की ठोकर उनके जो, मसीह पड़ेगा। आ पर करनेवालो असवीकार को अनुग्रह के परमेश्वर न्याय

लए के धर्मियों जो, महमि की मुख उसके होगा। प्रकट समान के परवत लेनेवाले प्रतशिोध एक उन्हें तब तुच्छ अनुग्रह, गया कयिा अस्वीकार प्रेम क्योकहोगी। आग देनेवाली कर भस्म लिए के दुष्टों, है जीवन जाएगा। कयिा नष्ट पापी इसलए, गया जाना

«یواسطه‌های بسیار هشدارهای مکرر، عیسی نشان داد که نتیجهٔ ردّ کردن پسر خدا برای یهودیان چه خواهد بود. او در این سخنان، همهٔ کسانی را در هر عصری مخاطب می‌ساخت که از پذیرفتن او به‌عنوان نجات‌دهندهٔ خویش سرباز می‌زنند. هر هشدار برای ایشان است. معبد بی‌حرمت‌شده، پسر نافرمان، باغبانان دروغین، بنایان خوارشمار، همه در تجربهٔ هر گناهکار نظیر خود را دارند. مگر آنکه توبه کند، سرنوشتی که آنان پیشاپیش بدان اشارت داشتند، از آن او خواهد بود.» مشتهیات اعصار، ۵۹۹، ۶۰۰.